



## گفتگو با محققان و پژوهشگران کتابخانه شماره ۲

ج - مصاحبه با

### خسرو خواجه نوری

احسان اله شکر الهی



کتاب‌هایی را که در کتابخانه شماره دو دیدم در کتابخانه دیگری ندیدم. در عین حال کتاب‌هایی هستند که مثلاً کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی آنها را دارد و کتابخانه شماره دو ندارد. به نظر من کتابخانه‌ها با همدیگر باید ارتباط داشته

باشند. یعنی کتابخانه دائرة المعارف، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کتابخانه ملی باید با هم تبادل فرهنگی بکنند. متأسفانه در کشور ما این مراکز علمی با همدیگر هماهنگ نیستند. یعنی هر کس ساز خودش را می‌زند. کسی نمی‌آید میان این مراکز ارتباط معقول ایجاد کند تا بتوانند با تبادل منابع نقایص همدیگر را جبران کنند، یا از منابعی که ندارند فیلم بگیرند. البته نه فیلمی که برخی مراکز الان می‌گیرند. خیلی جالب است در کشور ما نسخه اصلی را از بین می‌برند که مثلاً می‌خواهند فیلم تهیه کنند. مثلاً شما کتاب «منتخب التواریخ عبدالقادر بدیوانی» را در همین کتابخانه نگاه کنید. واقعاً آدم دلش کباب می‌شود. از کتاب چاپ هند مربوط به صد سال پیش طوری فیلم گرفته‌اند که پودر شده، «کتاب شناسی بانکی پور» را بروید ببینید آن را پودر کرده‌اند، به بهانه این که می‌خواستند از آن فیلم بگیرند. هیچ جای دنیا یک کتاب اصل را نمی‌آیند نابود بکنند که می‌خواهند از آن فیلم بگیرند. فکر می‌کنم فقط در کشور ماست که چنین رسمی برقرار است. برای رفع این مشکل کتابخانه‌ها، ما باید دستگاهی را که فیلم می‌گیرد جدید بکنیم، تا کتاب‌ها آسیب نبینند. ولی دستگاه‌هایی که کتابخانه مجلس دارد قدیمی است و باید عوض شود. هزینه‌ای دارد، هزینه‌اش را کتاب‌های صد سال پیش هند که دیگر چاپ نمی‌شود، باید پرداخت

س - جناب آقای خواجه نوری! ضمن تشکر از شما به خاطر شرکت در این مصاحبه. به عنوان کسی که از کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی به صورت مستمر استفاده می‌نمایید می‌خواستم بپرسم که شما این کتابخانه را به عنوان یک کتابخانه تخصصی چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
ج - کتابخانه شماره دو از لحاظ منابع و ماخذ یکی از وزین‌ترین کتابخانه‌های ایران است. یعنی کتاب‌هایی در مخازن خود دارد که حتی در کتابخانه دائرة المعارف بزرگ اسلامی، کتابخانه ملی و کتابخانه ملک این کتاب‌ها را ندیدم. کتاب‌هایی منحصر به فردی که فقط مخصوص کتابخانه شماره دو مجلس است، و این نشان می‌دهد کتابدارهایی که اینجا بودند زحمات بسیاری کشیده‌اند که این کتابخانه الان این منابع را در دسترس دارد. افرادی مثل آقای دکتر جهاننداری، مرحوم آقای زریاب خوبی. این‌ها واقعاً حق بزرگی بر گردن تاریخ و فرهنگ مردم ایران دارند. خود سیدحسن تقی زاده که اولین رییس سنا و پایه گذار این کتابخانه بود. وی برای تاسیس و تجهیز کتابخانه، از حقوق سناتورهای که دیر می‌آمدند کم می‌کرد و برای کتابخانه سنا کتاب می‌خرید. سناتورهایی مثل رضازاده شفق؛ ابراهیم خواجه نوری، و علی دشتی که همه اهل تحقیق بودند. یعنی همه می‌دانستند چه کار دارند می‌کنند. کسانی که پشتیبان کتابخانه بودند انسان‌های فرهیخته‌ای بودند. مثلاً آقای زریاب خوبی از شاگردان حضرت امام بودند در فقه و دین. همین کسانی که حامی کتابخانه بودند چنین کتابخانه وزینی را درست کرده‌اند. این مسئله مسئولیت نسل‌های بعدی را برای حفظ این گنجینه بزرگ سخت‌تر می‌کند. و ما امروز باید ارزش آن چیزی را که در دستمان است بدانیم.

س - به نظر شما منابع این کتابخانه در تحقیقات ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی چه قدر می‌تواند موثر باشد؟

ج - من در موضوعات خاص تاریخی مطالعاتی دارم و به بهانه آن موضوعات به کتابخانه‌های مختلفی مراجعه کرده‌ام. اما



نمی‌توانید دیگر آنها را بخرید. اگر از بین برود دیگر قابل جبران نیست. برای همین باید خیلی مراقبت بکنیم از این کتابخانه، کتابخانه شماره دو واقعاً از همه لحاظ به ویژه از لحاظ منابع عالی است. س - از سابقه تاسیس، تکوین و تحول این کتابخانه هم اطلاعی دارید؟ ج - بله، آقای تقی زاده این کتابخانه سنا را برای استفاده سناتورها تاسیس کرد. در عرایض قبلی هم خدمتتان عرض کردم که تقی زاده و دستیارانش آقای جهانداری و آقای زریاب خوبی چه زحماتی کشیدند. متأسفانه نماینده‌های مجلس ما الان به این کتابخانه مراجعه نمی‌کنند. من الان چهار سال است به کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی مراجعه می‌کنم. حتی یک نفر نماینده مجلس ندیده‌ام. ببینید این واقعاً باعث تأسف است. ما ۲۹۰ نفر نماینده داریم من حتی یک نفر ندیده‌ام که به اینجا مراجعه کند. من بعضی وقت‌ها از ساعت هشت صبح می‌رفتم آنجا تا شش غروب، و هفته‌ها این کارم تکرار می‌شد. ولی ندیده‌ام نماینده‌ای مراجعه کند. این بد است. یعنی نماینده‌ها اطلاع ندارند که در کتابخانه بغل دست خودشان چه می‌گذرد؟ که بیایند به کتابخانه برسند؟ بودجه را کم نکنند بلکه زیاد بکنند؟ خودشان بیایند کتاب‌هایش را ببینند و استفاده کنند؟

در ضمن یک قانون بدی که کتابخانه شماره دو دارد این است که نماینده اگر هر کتابی را خواست می‌تواند از کتابخانه بیرون ببرد. آقا این چه قانونی است؟ کتاب چاپ بغداد مربوط به نود سال پیش، اگر آقای نماینده آن را برداشت برد، و دوره نماینده‌گی اش هم تمام شد و رفت، شما کتاب را می‌خواهید از چه کسی بگیرید؟ آن موقع دستان به جایی بند نیست. پس به نظر من در این زمینه تبعیض نباید باشد. نماینده مجلس سرور بنده است، اما همین سهمیه را باید داشته باشد که من محقق دارم. بله کتابخانه مجلس باید به نماینده مجلس خدمات بیشتری بدهد. نه این که کتاب را به او بدهد و مجموعه را ناقص کند.

به قول سعدی:



اگر زباغ رعیت ملک خورد سببی  
برآوردن غلامان او درخت از بیخ  
الان نماینده‌ها باید بیایند بنشینند در کتابخانه منابع را در آنجا بخوانند، کتابخانه را ببینند. الان کتابخانه شماره دو ایرادات بسیاری دارد. مدت هاست که قفسه خوانی نشده، دوره‌های مجلات اش ناقص است. کتابخانه شماره یک هم مجلاتش ناقص است. هنوز ما این کار مهم را انجام ندادیم. اولین کاری که کتابخانه مجلس باید بکند و از نان شب هم برای کتابخانه واجب‌تر است این است که فهرست نسخه‌های خطی اش را کامپیوتری بکند. خدا انشاءالله همیشه آقای استاد حائری را زنده بدارد، ولی همیشه که ایشان نیستند، قدر کار ایشان را بدانیم و اطلاعاتی را که ایشان در فهرست‌ها آوردند به صورت صحیح وارد کامپیوتر کنیم.

خلاصه باید به کتابخانه برسند. کتابخانه مثل یک کودک است. هیچ فرقی نمی‌کند، یک بچه کیف که موهایش بلند و نامرتب است را آدم بیشتر دوست دارد یا یک کودک تمیز را؟ نرسیدن به کتابخانه نتیجه اش این می‌شود که طراوتش را از دست بدهد. الان خیلی از کتاب‌های کتابخانه فهرست نویسی ورده بندی نشده است این خوب نیست.

س - شما بخشی از سوالی را که می‌خواستم بپرسم پاسخ دادید. این که چه خدماتی را پیشنهاد می‌کنید که به محققین ارائه بدهند؟

ج - محققینی که می‌آیند انتظار دارند منابع در اختیارشان قرار گیرد. همین و بس. من در زمان کار یکی از کارمندان این کتابخانه در یک روز صد جلد کتاب دریافت کردم. می‌خواستم فیش بردارم. از هشت صبح آمدم تا شش بعدازظهر. صد جلد از ایشان کتاب گرفتم و ایشان با کمال وضایت، و روی باز، و لب خندان این لطف را کردند. من واقعاً لذت بردم و هر موقع که ایشان را می‌بینم از صمیم قلب به ایشان احترام می‌گذارم. برای این که واقعاً دوست دارد این کار را. کتابدار باید کتاب را دوست داشته باشد. آنچه که کتابخانه دارد را بشناسد. نه این که اهمیت برایش نداشته باشد.

در کتابخانه شماره دو سفرنامه‌هایی داریم که واقعاً منحصر به فرد است. این‌ها مربوط به ۲۰۰-۳۰۰ سال پیش است. خیلی زیباست یعنی وقتی شما این سفرنامه‌ها را می‌بینید به قدری لذت بخش است که حد ندارد. این‌ها فقط باید حراست شود. اخیراً شنیدم که می‌خواهند جای کتابخانه شماره دو را عوض کنند. البته الان فضای کتابخانه کم است ولی مخزنش مخزن خوبی است. جا افتاده. فقط بین سال ۱۶۰ اگر اشتباه نکنم تا سال ۶۷ یک وقفه‌ای در خرید منابع آن به وجود آمده که این کتاب‌ها باید تهیه شود. مثلاً در زمینه اسطوره‌شناسی و ادیان کتابخانه شماره دو خیلی ضعیف است. وقتی من و امثال من که علاقه به این کتابخانه دارند پیشنهاد خرید

۶۱



منابع معتبر تحقیقی می‌دهیم انتظار داریم فراهم شود. اتفاقاً مدتی هم این کار انجام می‌شد و خوب است ادامه پیدا کند تا کتابخانه وزین‌تر بشود. الان خود کتابخانه شماره یک، کتاب‌های مربوط به اقلیت‌ها را ندارد. کتاب‌های اقلیت‌هایی مثل زرتشتیان یا یهودیان، کلیمیان، و مسیحیان. یک نفر ایران شناس نیاز دارد تا این منابع را ببیند و کامل کند. اطلاعات یک کتابدار ایران شناس هم باید به روز باشد و کتابخانه شماره دو در این موارد وضعیتی نسبتاً ایده‌آل دارد. یعنی کتابخانه شماره دو این ویژگی را داشته. یک وقت کتابخانه‌ای مجموعه پایه را ندارد شما هر چه قدر هم بدوید نمی‌توانید کتابخانه را به وضعیت ایده‌آل برسانید. ولی کتابخانه شماره دو وضعیتش ایده‌آل است فقط آن خلاء‌ها را یک کتابدار خوب، یک آدم دلسوز، یک کتاب شناس که ایران شناسی بداند، یک کسی که در سطح مرحوم زریاب خویی و آقای دکتر جهاننداری باشد، باید کتاب‌هایی را که نیست لیست بدهد تا خریداری کنند.

نکته دیگر در مورد کتابخانه شماره دو مجلس این که انتظاماتش مناسب نیست. دم در کسی که می‌خواهد بیاید انگار چه خبر است. خوب می‌خواهد بیاید مطالعه کند. گشتن، و کارت خواستن گاهی به صورتی انجام می‌شود که آدم از کتاب و کتابخانه دلسرد می‌شود. س - یکی از علت‌هایی که مسئولین را به فکر محل جدیدی برای کتابخانه شماره ۲ انداخته شاید همین است که تردد محققین آنجا ساده‌تر باشد. این منطقه به خاطر نزدیکی به پارلمان حراست شده و تحت حفاظت شدید امنیتی است. در عین حال به لحاظ خدماتی که به محققین ارائه می‌شود اگر پیشنهاد دیگری دارید می‌شنویم.

ج - در آنجا الان یک کامپیوتر وجود دارد، اما فقط کتابدارها می‌توانند از آن استفاده کنند، محققین به آن دسترسی ندارند و خوبست در این زمینه فکری بشود.

کمی بیشتر به این کتابخانه برسند. خرجش کنند. یکی از بهترین کتابخانه‌های ایران، بدون اغراق، بدون این که من تصور کنم که در کتابخانه مجلس دارم صحبت می‌کنم، واقعاً یکی از بهترین کتابخانه‌های ایران این کتابخانه است، چون کسی که کتاب خریده می‌دانسته چه خریده است. همین طوری نرفته یک کامیون کتاب بخرد بیاورد. بلکه دانه به دانه هر کدام از کتاب‌ها با فکر انتخاب شده، با طرح این سوال که در زمینه ایران شناسی و اسلام شناسی این اثر به چه درد می‌خورد، در چه زمینه‌ای می‌تواند موثر باشد، گره کدام محقق را می‌تواند باز کند، این خیلی ارزشمند است.

س - شما اگر بخواهید محلی را پیشنهاد بدهید برای کتابخانه، کجا را پیشنهاد می‌دهید؟

ج - کتابخانه شماره دو به نظر من جایش خوب است. اگر

بخواهیم کتابخانه جای دیگری باشد باید به غرب تهران فکر کنیم، چون شرق تهران (محوطه میدان امام خمینی و بهارستان) از کتابخانه اشباع شده است. کتابخانه ملی، ملک، پارک شهر، و کتابخانه شماره یک مجلس. به نظر من اگر قرار است این کتابخانه جابجا شود باید کتابخانه بروید غرب تهران، غرب تهران از این نظر ضعیف است. برهوت کتابخانه است. هیچی نیست. بنابراین به نظر من کتابخانه هر چه بروید طرف غرب می‌تواند محققین بیشتری را سیراب کند. و خوبست جوان‌های اهل تحقیق بیایند استفاده بکنند. البته کتابخانه کتاب‌هایی را دارد که دست هر کسی نباید بیفتد. نه که ما پنهان کاری بکنیم، نه. کتاب‌هایی هست که باید کپی یا فیلم از آن گرفته شود و اصل محفوظ بماند. از کپی یا فیلم به محقق خدمات بدهیم. اگر یک کتاب چاپ صد سال پیش به دست یک جوان ناآموخته بیفتد او نمی‌داند که ارزش کتاب چقدر است و ممکن است یک خطی بکشد روی آن. کتاب را باید به کسی داد که ارزش آن را بداند. قدر زرگر شناسد قدر گوهر گوهری. باید کسی بیاید از آن منبع استفاده بکند که ارزش آن را بداند، و او کسی باشد که اگر از عکس و سطش خوشش آمد پاره نکند ببرد. من دانشجویهای کارشناسی و کارشناسی ارشد را در کتابخانه دانشگاه تهران دیدم که عکس‌ها را پاره می‌کردند و می‌بردند. باید کتاب را دست کسی داد که کتاب را بشناسد اهمیتش را بداند.

س - البته من باید به اطلاع شما برسانم که در مورد کتب خطی و یا چاپی نفیس هم در کتابخانه شماره ۲ پیشنهاد شما را عملی کرده‌ایم. به جای نسخه اصلی، میکروفیلم یا CD آن را به محقق می‌دهیم. حال بفرمایید چه خطراتی از کتابخانه شماره ۲ دارید؟

س - همین که عرض کردم خدمتتان، تحقیقم در مورد سفرنامه‌ها بود یکی از کتابداران خوب این کتابخانه جناب آقای پارساینان در یک روز یک صد جلد کتاب برای من آورد. واقعاً زحمت کشیدند. البته همه کتابداران این کتابخانه چنین روحیه‌ای دارند و هر وقت من رفتم آنجا مثلاً چهار بعد از ظهر می‌رسیدم، یک ساعت مانده





مخصوصاً دقت شود که کتاب‌ها پراکنده نشود. نصفش به جایی برده شود و نصف دیگرش را ببرند یک جای دیگر.

نکته دیگر این که نماینده هیمان باید بیاید به این کتابخانه و مطالعه کنند. به نظر می‌رسد نمایندگان ما الان مطالعه ندارند و حداقل در کتابخانه مجلس مطالعه نمی‌کنند. حداقل برای موضوعات فرهنگی خوبست بیشتر به این کتابخانه مراجعه کنند و از منابعی که برای استفاده ایشان است بهره‌مند شوند.

س - البته هدف از تشکیل کتابخانه پارلمانی در همه جای دنیا این است که اطلاعات در تصمیم‌گیری موثر است و اگر اطلاعات روزآمد و دقیق گرد هم بیاید و نماینده این‌ها را بخواند و مطابق آن تصمیم بگیرد تصمیمات بهتری اتخاذ می‌کند. در عین حال امروزه نمی‌توانیم بگوییم صرف عدم مراجعه نمایندگان به کتابخانه مجلس نشانه عدم مطالعه است. بلکه باید بگوییم با توجه به تکنولوژی جدید، با توجه به امکانات روز، با توجه به توان مالی نماینده‌ها، با توجه به انتشار کتاب‌های فراوان، و با توجه به دسترسی آسان به آثار منتشره، رفتار اطلاع‌یابی نمایندگان متفاوت شده و امروز ایشان به شکل‌های مختلف اطلاعاتشان را به دست می‌آورند.

ج - بله درست می‌فرمایید. در عین حال کتابخانه مجلس هم نقش اطلاع‌رسانی خودش را باید ایفا کند. یعنی باید نماینده‌ها بیایند کتاب‌ها را ببینند. می‌گویم کتابخانه خانه ایشان است. ما چطور از کتابخانه سنا استفاده می‌کنیم. مجلس خانه ملت است باید بیایند از آنجا استفاده کنند. اگر اشکالی است آنها باید رفع کنند، من نباید بیایم صحبت بکنم. من یک محقق هستم که چند صباحی به این کتابخانه مراجعه می‌کنم، شما نباید فقط با من مصاحبه کنید. شما باید با یک نماینده مجلس هم مصاحبه کنید، تا با قدرتی که در اختیار دارد مشکلات این کتابخانه را رفع کند.

س - البته ما با آنها هم مصاحبه کردیم و مصاحبه می‌کنیم، در عین حال دلمان می‌خواست نظر محققین را هم بدانیم.

ج - خلاصه کتابخانه شماره دو واقعاً کتابخانه خوبی است. اگر آسیبی متوجه آن بشود همه اهل تحقیق اندوهگین می‌شوند گویی که خانه آنها خراب شده، فرقی نمی‌کند.

س - بله صحبت هایتان حاکی از عشق و علاقه و غرور ملی و علمی است. متشکریم که درد دل‌هایتان را با ما در میان گذاشتید.

ج - شما هم محبت کردید که بنده را دعوت کردید و مرا قابل دانستید، امیدوارم حرف‌های کوچک من برای این کتابخانه بزرگ اثر مثبتی داشته باشد. انشاءالله.

بود کتابخانه تعطیل شود، و کتاب می‌خواستم، همان موقع سریع کتاب را می‌آوردند، من کارهایم را انجام می‌دادم، واقعاً بسیار زحمت کشیدند، خانم رادبشری که در قسمت لاتین بودند خریدهایی که می‌کردند خیلی عالی بود. الان هم کسانی که آنجا هستند واقعاً زحمت می‌کشند، ولی خوب باید به این کتابخانه بیشتر رسید و قدر این افرادی که زحمت می‌کشند را دانست. الان کارکنان کتابخانه کم هستند. ما باید حداقل دو نفر کتابدار لاتین داشته باشیم، و دو نفر کتابدار فارسی. دو نفر کتابدار بنشینند به مراجعه‌کننده‌ها خدمات بدهد. دو نفر هم مسئول خرید و سازماندهی کتاب‌های فارسی و لاتین باشند. برای مجلات هم خوب است مسئولی وجود داشته باشد. مجلات کتابخانه شماره دو مجلات بسیار خوبی است ولی پراکنده‌اند. خوبست مجلات را هر چند ناقصی دارد، لیست بکنند از کتابخانه شماره یک ناقصی‌ها را کپی بگیرند بگذارند آنجا تا این مجموعه‌ها هم کامل بشود. خودم حاضر می‌شوم حتی مجانی این کار را بکنم؛ برای این که کتابخانه مال من است. هیچ فرقی نمی‌کند. این کتابخانه مال هر ایرانی است. فقط اسمش کتابخانه مجلس است. اما مجلس مظهر اراده ملت است. ما همیشه به فکر این هستیم که کشور ما برای ما چه کار کرده، اما هیچ وقت نمی‌گوییم که ما برای کشور چه کار کرده‌ایم. این فرهنگ بدی است که مادر کشورمان داریم، همه‌اش طلبکار هستیم. خودمان هیچ موقع از خودمان از خودگذشتگی نشان نمی‌دهیم. به نظر من باید به این کتابخانه بیشتر برسند، کتاب بخزند منابعش را به روز بکنند. الان تعدادی از کتاب‌ها نیست یعنی گم شده. این‌ها باید لیستش تهیه شود و آنها را از نو بخزند و بگذارند سر جایش. اگر پیدا نشد کتابخانه‌هایی مثل کتابخانه دائرةالمعارف، کتابخانه ملی و کتابخانه ملک دارند، می‌توانند امانت بگیرند کپی بگیرند بگذارند سر جایش، تا کتابخانه کامل شود. حیف است که این کتابخانه خدای ناکرده روزی بخواهد از بین برود. این کار به نظر من یک خیانت است. کلمه خیانت کلمه خیلی خوبی نیست که من دارم مطرح می‌کنم ولی واقعاً کسی که این کار را بکند واقعاً خیانت کرده به ملت و کسانی که برای این کتابخانه زحمت کشیده‌اند.

س - اگر حرف و سخن یا پیشنهاد و نظر دیگری دارید لطفاً بفرمایید.

ج - عرضم این است که اگر قرار است محل این کتابخانه عوض شود و کتابخانه جابجا شود این کار از سر حوصله و با برنامه صورت بگیرد، که آسیبی به منابع نرسد و مدت زیادی این کار طول نکشد.

